

تحقیقات و مطالعات

در محفلی که ارباب دانش و فضل، حقوقدانان، علمای اقتصاد، طراحان و برنامه‌ریزان، وکلای مجرب، مشاوران قضائی، سرمایه‌داران وارد به مبانی علمی برای بحث و مشاوره در یک امر قانونی و تهیه پروژه یکی از قوانین حضور داشتند بحث بساینجا کشید که امروزه دردنیای متمدن و متمدن برای کلیه اقدامات اقتصادی و اجتماعی از نظریات و تجارب متخصصین استفاده مینمایند.

بمنظور اینکه افکار و عقاید و تجارب دانشمندان و کارشناسان جلب و مورد استفاده قرار گیرد سازمانهای دولتی و بخش‌های خصوصی علم و تجربه و نیرو و وقت آنان را ارزیابی میکنند و بدجه ای برای این امر اساسی در نظر میگیرند .

تأمین این بدجه در جزء هزینه‌های ضروری هر سازمان دولتی و هر بخش خصوصی اقتصادی و صنعتی امکان میدهد که ارباب دانش و تجربه بتوانند وقت و نیروی خود را در این راه صرف نمایند و الا با در نظر گرفتن شرایط سنگین زندگی امروزه انتظار اینکه عقاید و افکار و تجارب و اندوخته‌های علمی و عملی برایگان در اختیار مدیران اجتماع و سرمایه داران گذاشته شود انتظار صحیحی نیست.

نه تنها در این مورد بلکه در امور فرهنگی و تعلیماتی نیز یکی از اقلام هزینه های انتفاعی کمک به برنامه های مربوط به چاپ و انتشار کتابها و نشریات اختصاصی است.

این دو قلم بدجه، یعنی در اختیار گذاشتن قسمتی از سرمایه برای مطالعات و تحقیقات

علمی و طرح برنامه‌های اقتصادی و تهیه پروژه‌های قانونی از یک طرف و توسعه فرهنگ و انتشار نظریات و آراء و عقاید از طرف دیگر موجب این می‌شود که مراکز علمی و مجامع تحقیقاتی و فرهنگی با تهیه طرح‌ها و پروژه‌ها برای نقشه‌ها و برنامه‌های مدیران اجتماع و گردانندگان دستگاه‌های عمومی و بخش‌های انتفاعی و صاحبان صنایع و سرمایه‌داران و بازرگانان و شرکت‌ها و مؤسسات تولیدی خدمات ذی‌قیمتی انجام دهند.

با پیشرفت روزافزون علم و دانش و تکامل سریع اقتصاد و صنعت و احتیاج مبرم به تهیه طرح‌ها و قوانین مترقی برای بهبود نظام اقتصادی و اجتماعی نوین دست اداره‌کنندگان امور عمومی و بخش‌های خصوصی بسوی متخصصان و کارشناسان دراز است و برای ابتکار و تهیه لوایح و قوانین که در حیطه دانش و تجربه حقوقدانان و جامعه‌شناسان و علمای اقتصاد است نیروی انسانی و اندوخته‌های علمی و تجربی و وقت گران‌بهای آنان را به خدمت می‌گیرند تا آنها هم بتوانند با فراغت خاطر به تفحصات و تحقیقات علمی و تهیه برنامه‌های عملی و پروژه‌های قانونی اشتغال ورزند.

در دنیای متمدن برای تحقیقات و مطالعات بدیهه خاصی در نظر می‌گیرند. برای نمونه در آمریکا صدی ۳/۶۷ عواید ملی که در حدود ۲۲ میلیارد دلار است در این راه صرف می‌شود.

حتی بخش‌های خصوصی برای اینکه عواید آنها به نصاب معینی نرسد که مالیات زیاد گرفته شود مبلثی صرف انتشارات علمی می‌کنند.

بخش‌های عمومی و خصوصی از امروز در اطراف این امر بررسی کنند، اگر آنرا لازم و مفید تشخیص دادند در بدیهه خود رقمی هم برای مطالعات و تحقیقات علمی و ترویج و پیشرفت فرهنگ تأمین نمایند تا نتایج آنرا در بهبود امور و توسعه اقتصادی برای‌العین مشاهده کنند.

این نقطه صطف در تحقیقات و مطالعات که طرح شد و این مذاکرات که بر گزار می‌گردید خلجانی در خاطر حاضران پیدا شد: بعضی‌ها معتقد بودند که علم و تجربه و ال‌اتر از آنست که تسمیر و ارزیابی با مشتی پول شود، دانشمند باید خود را در اختیار اجتماع بگذارد و پاداش معنوی بگیرد، پاره‌ای دیگر سوابق آنرا در افکار و اندیشه‌های گذشتگان جستجو می‌کردند، بیاد سده‌ی افتاده بودند که گفته: دو برادر بودند یکی علم آموخت و دیگری مال آموخت.

بعضی‌ها کمال و مال را هم‌معنان میدانستند که شاعر گفته:

اگر کمال بجاه اندر است و جاه بمال

مرا بین که به بینی کمال را به کمال

بالاخره پاره‌ای در این اندیشه بودند که حقاً و انصافاً علم و مال در یکجا جمع
نمیشود که گفته اند لنا علم ولکم مال. و در تأیید آن شاعر بزرگ از زبان یکی
جاری شد که:

دانش و خواسته است نرگس و گل
که بیکجای نشکنند بهم
هر که را دانش است خواسته نیست
و آنکه را خواسته است دانش کم

باین ترتیب برای اینکه «دانش» و «خواسته» یا «علم و مال» همکاری کنند و
بیاری هم مشکلات را از پیش بردارند وظیفه مال است که دانش را به خدمت اجتماع
برانگیزد.

پاره‌ای هم در اهمیت آن بجائی رسیدند که این اقدام ضروری از مهاجرت
افکار و فرامغزها جلوگیری میکنند تا محصول فکرو دانش عاید ملک و ملت شود
و دانشمندان که توقع آنرا ندارند که «بر صدر نشینند» دست کم آرزو مندند که «قدر بینند» تاراه
خدمت گزینند.



قاعده ضرورات

این قاعده چنانست که در مقام اضطرار و ضرورت ممنوعات مجاز میشوند که الضرورات
تبیح المحظورات و به فارسی گفته شده: ناچارى نارواها را روانى بخشد و در این حال گناه و عقاب
نیست که: یفتنر فی الضروره ما لا یفتنر فی غیره.
قاعده مزبور از زبان شاعر چنین آمده:

در رنج خمار بودن ای یار ملبیح
جهل است بحکم عقل و الجهل قبیح
چون رفع خمار جز بمی نتوان کرد
درده قدسی که الضرورات تبیح